

نویسنده: پروفیسور الان بین میر (Alon Ben Mier).

منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2017-07-21».

برگردان: پوهند وی دوکتور سید حسام «مل» .

جنگ افغانستان یک جنگ فاسد اخلاقی است

Afghanistan : A Morally corrupting War

شش نوزده سال از این جنگ فاسد اخلاقی در افغانستان گذشت و هنوز که هنوز است در این کشور جنگی داریم که نه تنها در تاریخ جنگ های امریکا طولانی ترین جنگ (با صرف نزدیک به یک تریلیون دلار و ریختن هزاران سربا ز شجاع) است بلکه آنچیزی که از نظر اخلاقی فساد بار می آورد همانا کناره رفتن از هرگونه لذت و خشنودی است که این خود ما به شرم و خجالتی به حامیان جنگ طلب میباش.



نمونه ای از مخروبه های جنگ فاسد اخلاقی در افغانستان

آیا این لازم بود که بخاطر از بین بردن و نابودی القاعد بعد از رخداد واقع یا زدهم سپتمبر سال «2001» حتماً باید بالای افغانستان چار و ناچار تهاوز می نمودیم تجاوزی که در آن کاملاً شکست خوردیم و یا هیچ دستاوردی تا همین اکنون از این تجاوز نداریم ما باید از افغانستان بیرون می شدیم و نیروهای باقیمانده خود را برای ترمیم و تمیز و اصلاح اوضاع ناهنجار در آنجا موظف می ساختیم، ولی در عوض تصمیم ما بر این شد که دموکراسی را که یک مفهوم کاملاً ناشناس و بیگانه برای مردم یک سرزمینی که قبلاً به شکل از اشکال اداره

میشد معرفی و ترویج نمایم سرزمینی را که در طول تاریخ هیچ نیروی اجنبی قادر به اداره آن نشده و برای مدت طولانی نتوانسته است بر این سرزمین مسلط شود .

امروز ما هنوز در مورد بهترین و عمده ترین اقدام و یا عملکرد بخاطر بدست آوردن نتایج مطلوب و رضایت بخش از این جنگ به بحث و دیالوگ نه پرداخته ایم و یا بخود زحمت را راه نداده ایم که به ارتباط این جنگ و عواقب آن به بحث و گفتگو بپردازیم ، بهر صورت قبل از اینکه ما درباره راه حل های آینده این معضله صحبت کنیم باید توجه زیادی به هزینه واقعی این جنگ و پیاپی مدهای آن مبذول نمایم و به ویژه بر تاثیرات ناشی از آن که هسته ای اصلی را در خود دارد همه ما میدانیم که در این جنگ طولانی تاکنون بیش از (2400) سرباز امریکایی کشته شده اند و بیش از (20) هزار دیگر سربازان زخمی شده و همچنان بیش از (33000) غیرنظامی های افغانستان جان های شریف خود را از دست داده اند که شمار ثبت شده غیر نظامیان کشته شده افغان (662) نفر تنها در شش ماه اول سال (2017) گزارش داده شده است . که در پهلوی آن به تعداد (3581) نفر افغان ملکی مجروح شده اند ، لذا بطور کل شمار تلفات افغان ها (225000) نفر تخمین زده شده است و از سویی هم ناشی از این جنگ فاسد اخلاقی در حدود (6،2) میلیون افغان از خانه و کاشانه خود بیجا و به کشورهای دیگر پناهنده شده اند و بیش از یک میلیون دیگر از افغان ها تنها بی جا شدگان داخلی اند .

تاکنون پول و مبالغی که در این جنگ به مصرف رسیده است بیش از (783) میلیارد دالر میباشد که هزینه و یا مصرف هر سرباز امریکایی در طول سال (9،3) میلیون دالر برآورد شده است پس اگر ما هزینه این جنگ را در میان (30) میلیون شهروند افغانستان بدون تبعیض توزیع میکردیم برای هر افغان (33) هزار دالر میرسید حالانکه امروز یک افغان عادی سود و درآمد صفر فیصد را هم ندارد و درآمد متوسط سرانه تنها (670) دالر در سال (2014) گزارش داده شده است .

درحالیکه این مبلغ پولی را ما تنها صرف یک جنگ غیر قابل تحمل میکنم با درک این مطلب که (15) میلیون کودک امریکایی (21 درصد) در خانواده های حیات بسر میبرند که آن خانواده ها در زیر خط فقر فدرال قرار دارند ، صد ها هزار نفر دیگر شبانه گرسنه می خوابند و بسیاری از آنها در شرایط سخت و ناگوار در زیر ساخت ها و خانه های که در استانه ای ویرانی قرار دارد شب را سپری میکنند .

برای درک چالش‌های این هزینه‌ها ویا مصارفات در جنگ فقط به هزینه‌های امریکا می‌اندیشیم، اما نه در مورد زندگی انسان و پول ویا در مورد موقف اخلاق ما در جهان و در مورد تفکر فراگیر و تباه‌کننده ما که می‌خواهیم جنگ را با مصرف انرژی عضله‌نظامی خود ببریم ویا موفقیت را از آن خود سا زیم یعنی که در این جنگ موفق شویم اندیشه‌ای که لحظه‌ای هم در مورد آن نه اندیشیده ایم.

تعجب آوراینکه بعد از (16) سال جنگ، مقامات و حلقات جنگ طلب مسول تصمیم می‌گیرند که بخاطر تغییر وضعیت در افغانستان (4000) سرباز اضافی دیگر را (همانطور که وزیر دفاع ایالات متحده امریکا جنرال ماتیس توصیه مینماید) به افغانستان بفرستند در حالیکه ما زمانی در حدود (140000) سرباز در افغانستان داشتیم ولی قادر نشدیم که در این سرزمین برنده شویم و به ایجاد یک ساختار امنیتی وسیاست سیاسی پایدار نایل می‌آمدیم؟ با عزت و ابرو و سرفرازی دوباره بخانه‌های خود عودت می‌کردیم.

اکنون در دولت دونالد ترامپ هیچکس و از جمله حتی پنتاگون جرئت طرح ویا پیشنهاد سازنده‌ای ندارد که با ارسال نیروهای اضافی در جنگ بر بُرد امریکا پافشاری نماید ویا نوید موفقیت در این جنگ را بدهد. ولی کار بهتر این مقامات آن خواهد بود که همین اکنون جلو پیشروی طالبان را بعد از این که آنها بیش از یک وسوم قلمرو افغانستان را در تحت کنترل خود دارند بگیرند تا که بخش‌های متباقی را از تحت تصرف دولت از آن خود ن سازند.

دلچسپ تر اینکه سناتور جان مکین بعد از بازدید افغانستان در این تازه‌گی‌ها پرسش بُرد و موفقیت در این جنگ را چنین به تعریف می‌گیرد: «بابکار انداختن یک نوع آتش بس با طالبان میتوان قسمت‌های عمده از دست رفته کشور را دوباره به تصرف دولت در آورد.»

اما روبرت ال بوراسگ (Robert L. Borosag) به موضوع چنین اشاره میکند: «ما پیش از این شاهد مناطق اصلی بودیم که می‌خواستیم تا آن مناطق را بدست آوریم ولی طالبان همچنان مقاومت کردند چونکه فساد و تفرقه همچنان دولت افغانستان را فلج ساخته است.»

فرا تر از تهدید القاعده، تهدید مجدد از سوی طالبان است، طالبانی که به شدت در راه بازگشت اند و بال‌های خود را بمراتب فرا تر از مرزهای افغانستان گسترده اند.

بهر صورت امروز وضعیت در همه حوزه‌های سیاسی و امنیتی در افغانستان بد و بدتر است و چشم‌انداز توسعه شرایط پایدار ویا بمیان آمدن یک دولت کارآمد

در کابل بعید به نظر می‌رسد. یا بهتر است گفته شود که اصلاً در وضعیت صفر قرار دارد. وزیر دفاع ایالات متحده امریکا جنرال **جمیس ما تیس** به یک قمار باز معتاد می‌ماند که پول‌ها را در یک شیار (سلایت) جاسازی می‌کند اما به دلیل افسرده‌گی و ناامیدی به نسبت ازدست‌دادن هر دالر امیدوار به برنده شدن یک **جکپات** (جایزه اول در یک بازی ویامسابقه) است که هرگز آنرا ازدست‌نهد.

این ممکن است که از وزیر دفاع **جمیس ما تیس** پرسیده شود که هدف ما در حال حاضر در افغانستان چیست؟ و استراتژی خروج ما از آن سرزمین چسان است؟ چونکه در (16) سال گذشته هیچ یک از وزیران دفاع ایالات متحده امریکا به این سوال پاسخ قناعت‌کننده‌ای نداشتند، و اکنون از ما خواسته شده است تا به سربازان ما دوباره قماربازی کنیم، و چنین گویم که اینک امیدوار باشید تا این جنگ ویرانگر را که اکنون تبدیل به یک انتخاب تعیین‌کننده شده است آنرا ببریم و یا در آن موفق شویم.

لذا با اطمینان کامل میتوان گفت که راه حل قطع و توقف این جنگ راه حل نظامی نیست و نمی‌باشد. باید ناگزیراً و الزاماً هرچه زودتر این واقعیت را بپذیریم با وجودیکه یک واقعیت تلخ نیز میباشد، بنا بر این واقعیت بمنظور بدست آوردن یک نتیجه مطلوب و عملی باید با طالبان به مذاکره تن در داد و باب مذاکره را با عناصر معتدل و میانه‌رو طالبان باید باز کرد.

ستیب بونن (Steve Bonnon): دومین گزینه قطع و ختم جنگ در افغانستان

که توسط **ستیب بونن** استراتژیست اصلی دونالد ترومپ پیشکش شده است استخدام نیروهای جنگی پیمانکاران خصوصی به جای نیروهای امریکایی بخاطر مبارزه در یک جنگ نیابتی و یا پروکسی از طرف او است. که این نوع طرز تفکر و یا این نوع اقدام به جز از یک بدبختی و نفرت انگیزی چیزی دیگری نمیتواند در قبال خود داشته باشد، در صورتیکه اگر ما این گزینه را انتخاب و برای کشتن خود در سرزمین‌های بیگانه اجیران مزدور را بفرستیم آیا از این بیشتر هم انحراف اخلاقی وجود خواهد داشت؟

این واقعیت که ما در گذشته‌ها از مزدوران و پیمانکاران جنگ بعنوان محافظان امنیتی یا به حیث ناظران امنیتی در ادارات و یا زداشتگاه‌ها استفاده میکردیم، همه میدانستیم که به اندازه کافی یک اقدام و یا یک عمل ناپسند و بد بود. چونکه آنها با داشتن مجوز رسمی خود مرتکب اعمال شنیع و آزار و ازیت مردم شدند، و در این راه میلیاردها دالر حیف و میل و بیهوده بمصرف رسید.

لذا ما نباید چنین کاری را که از لحاظ اخلاقی قابل پذیرش و تحسین نیست آنرا تکرار کنیم، آیا این طرح شگفت‌آور نیست که از یک استادکار (Manipulator) همچو **ستیب بونن** مشاور آقای دونالد ترومپ پیشکش میشود، مشاوره‌ای که با توصیه‌های خود تا کنون دونالد ترومپ را درگیر مشکلات ساخته است. جنگی که دیگر مآماده آن نیستیم و نباید

جان سربازان خود را در این جنگ بی حاصل از دست بدهیم ، لذا هرگز نباید جنگید .

در یک سری از گفتگوهای که من با آقای **اجمل خان خاخی** رهبر قبیله و فرمانده عالی مقام پکتیا در افغانستان داشتم او با سرخوردگی عمیق در مورد رویکرد نظامی آمریکا صحبت کرد که آمریکا هرگز فرصتی برای موفقیت نداشته است گفت:

« افغانستان یک کشور قبیله ای و عشیروی است یعنی یک کشور قبایلی

در گذشته و در حال و در آینده خواهد بود برای بدست آوردن موفقیت ویا بُرد

در این مبارزه جدی علیه طالبان و همکاران اش از جمله القاعده و داعش و.....

بدون حمایت و پشتیبانی از قبایل یک معجزه خواهد بود و من شک دارم

که شاهد معجزه ای در این روزها باشم . «.

اوبرساده لوحی از دولت های یک بعد از دیگر ایالات متحده آمریکا با تاکید پیهم گفت : که مقامات دولتی آمریکا در وزارت امور خارجه و وزارت دفاع در دوران زمامداری جورج دبلیو بوش به ارتباط نوعی از دموکراسی و حقوق بشر خویشتن را غرق در واسواس و سردرگمی میدیدند و تنها به این باور بودند که راه حل معضله افغانستان راه نظامی است و آنها هرگز به راه های محلی و وطنی که توسط قبایل افغانستان قبایلی که در اذهان و قلوب مردم خود جا دارند به آن وقع نداده ویا به همچو راه های حل باور ندارند ویا در مورد آن معلومات لازم ندارند .

لذا وقت آن رسیده است که ایالات متحده آمریکا باید متوجه شود که راه حل دراز مدت با پشتیبوانه ای کامل و حمایت قبایل همانطوریکه آقای **اجمل خان خاخی** گفت امکان پذیر است . او درین مورد بمن گفت : « که او آمده است تا سران تمام قبایل را در یک گرهمایی ویا در یک اجماع جمع آوری کند تا آنها از مقامات مسول و بلند مقام آمریکا این تعهد را بدست آورند که آمریکا بخاطر توانمند ساختن آنها با دادن چهار تا پنج میلیون دالر در سال (یعنی مبلغ کمی از پولی که اکنون در این جنگ مصرف میشود) طی چندین سال بپردازد و البته که قبایل با اخذ ویا بادیافت این پول تعهد شده توسط آمریکا خود به آموزش شبیهه نظامیان شان خواهند پرداخت تا نیروهای شان بتوانند در مقابل جنگجویان مزدور به مبارزه بپردازند یعنی علیه آن مزدوران جنگی که اکنون با ادامه جنگ میخواهند ثروتمند شوند .

لذا راه حل معضله کنونی ویا جنگ خرابکارانه افغانستان توسط قبایل امکان پذیر است که قبایل علیه جنگجویان مزدور به مبارزه شان آغا زکنند و آنها میتوانند که در این راستا نقش فعال خود را بازی کنند و آن اینکه قبایل برای آرامی و امنیت کشور خود دست به مبارزه می زنند و میخواهند که به مداخلات بیگانگان در کشور خود نقطه ای پایانی گذارند و دیگر به دنبال دموکراسی خیالی و میان تهی نروند و وقت خود را در ابهام و خیال پردازی های فریبنده غرب ضایع نکنند .

در نهایت امر ، راه حل معضله موجوده افغانستان در مذاکرات صلح با طالبان معتدل گره خورده است یعنی با آنهایی که شهروندان افغانستان هستند، و از سرزمین خود نمی خواهند که محروم شوند دیگر هیچ راهی وجود نخواهد داشت تا این کشمکش ها حل و فصل گردد و دیگر هیچکس بدون از رهبران قبایل نمیتواند کلید حل این معضله را بدست داشته باشد چونکه قبایل میخواهند که همه مسایل را در دست و در اختیار خود داشته باشند چونکه

آنها رنج های بیکران و طولانی ، مرگ و میر، تخریب و تحقیر و گرسنگی را در طول سالهای جنگ متحمل شده اند و نسبت به هرکسی دیگر خواهان صلح و آرامش در وطن خود میباشند .

----- **با تقدیم سلامها (2017-08-1)**